

گفتمان دینی: اقتضائات و بایستگی‌ها

دکتر فاطمه صادق زاده قمصری

عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق

در طول تاریخ دین همواره انسان را به عنوان همزادی آشنا همراهی کرده است بطوری که امروزه برخی در معرفی انسان بجای آنکه او را حیوان ناطق، عصیانگر، آزاد، ابزارساز و ... بنامند او را به عنوان موجودی دین‌ورز معرفی می‌نمایند. البته گاه در برخی جوامع صورت‌های مجعول و محرف به عنوان دین بر مردم حاکمیت داشته است. از سوی دیگر با توجه به تاریخ کهن دین و قدمت مباحث دینی و فراوانی آثار، کتب و نشریات مختلفی که به موضوع دین می‌پردازند هنوز هم تمایل مردم نسبت به طرح عمومی این نوع موضوعات کمتر نشده است. در روزگار ما هنوز آثار مختلف هنری و گفتمان‌های ویژه‌ای درباره مذهب و معنویت مورد توجه مخاطبان بویژه نسل جوان قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد در دنیای مدرن انسان بیش از همیشه به نیاز وجودی خود به خدا و معنویت پی برده است. این روزها، بشر در عین بهره‌مندی از تمامی مظاهر تمدن، علم و تکنولوژی از رسیدن به سعادت بازمانده و در عین حال به هر کجا که خبری از معنویت گم شده او بدهد سری می‌کشد و پس از چند صباحی آن را نیز رها می‌کند. در چنین وضعیتی چه نوع گفتمان دینی می‌تواند این نیاز اساسی بشر را پاسخ گوید؟ به اعتقاد ما این گفتگو باید:

اولاً - با هدف پاسخگویی به سؤالات فعلی و جدی مخاطبان تنظیم و تدارک شود. امروزه مردم بویژه جوانان درباره دین، عقاید، اخلاقیات، اجتماعیات، آداب دینی و مطالعه مناسک مذهبی پرسش‌های بسیاری دارند. گویی آنان آمادگی ندارند در این مقام هیچ خط قرمزی را به رسمیت بشناسند و بیشتر مایلند درباره هر چیز بدانند و پرسند... کسی که امروزه به طرح مباحث دینی در سطوح مختلف اقدام می‌کند لزومی ندارد خود به پاسخ سؤالات مقدر پردازد و ذهن خود را برای طرح پرسش‌هایی که احتمال وجود آنها را در

میان مخاطبان خود می‌دهد بکاود و سپس به پاسخ بنشینند. گویند فیلسوف شهید یونانی، سقراط (۳۳۹ - ۴۶۹ ق.م) گاهی در معابر عمومی و کوچه‌های آتن از مردم درباره دین‌داری، فضیلت، شجاعت، شرافت، عدالت، زیبایی، سیاست و ... می‌پرسید. اگر مخاطب سیاستمدار بود سقراط از او درباره حکومت می‌پرسید و اگر قانون‌گذار بود از او می‌پرسید که درباره عواطف و رفتارهای آدمی چه می‌داند. البته سقراط پس از آنکه مخاطب پاسخی به سؤال او می‌داد آن را می‌شکافت و با طرح اشکالاتی بر آن پاسخ به او کمک می‌کرد تا نظر قبلی خود را اصلاح نماید. سقراط خود اظهار می‌کرد که هم چون خرمگسان، که بر بدن اسب‌های پیر و تنبل می‌نشینند و با نیش زدن آنها را به تحرک و می‌دارند، بنا دارد کسانی را که به لحاظ فکری و ذهنی کم کارند با سؤالات آزار دهنده خود به تحرک و دارد تا آنها دلیلی بر افعال و کردار خویش بیابند.

ثانیاً - با شناخت کامل دین (اسلام) - از یک سو - و شناخت شرایط و مقتضیات زمان که با تغییر احتیاجات واقعی بشر در طول زمان تغییر می‌یابد - از سوی دیگر - توأم باشد. در غیر این صورت نتیجه حاصل یا گفتمانی است کهنه و متعلق به دوران گذشته و یا غیر اصیل.

ثالثاً - احیاگر مفاهیم و معارفی باشد که بسیاری از مردم به عنوان دین به آنها اعتقاد دارند ولی آن مفاهیم در طول زمان به صورت مسخ شده و منکوس در آمده است. البته نه دین خدا و نه حقایق و معارف الهی هرگز دچار مرگ و نیستی نمی‌شود ولی بعید نیست که همان مفاهیم سازنده و روح بخش به دست ملتی مرده و متحجر از هر گونه احیاگری و برکت بخشی فرو افتد. از این رو محور گفتمان‌های دینی باید تصحیح افکار و اعتقادات رایج باشد.

رابعاً - به وسیله افراد عامل و متعهد به اصول و مبانی دینی - اسلامی - مطرح گردد. زیرا زنده بودن هر دینی در گرو عمل به آن است و معرف یا مبلغ دین باید بیش و پیش از همه عامل به وظایف دینی و اخلاقی خود باشد.

خامساً - هم به تلاش عقلانی انسان احترام گذارد و هم به سلوک معنوی او. از آن جایی که پرواز در عالم معنا و تحصیل کمالات تنها با هر دو بال عقلانیت و معنویت است

لذا در هر گفتمان دینی لازم است هم از حیث نظری و عقلی مخاطبان را ارضاء نمود و هم از جهت معنوی.

البته امروزه پیرامون موضوعات مذهبی آثار و کتب متنوعی تولید و انتشار می‌یابد و در کنار آن انجمن‌ها، مجامعی نیز با برپایی کنگره‌ها و همایش‌هایی درباره حقایق و مفاهیم دینی فعالیت‌های قابل ملاحظه‌ای دارند، اما در این حوزه سرزمین‌های بکری وجود دارد که هنوز پای اندیشه هیچ متفکر و پژوهشگری به آن نرسیده است. فصلنامه مشکوة النور از مقالاتی که حاصل تأملات فلسفی در زمینه مسائل دینی باشد و با طرح اندیشه‌های بدیع خود و یا نقد آراء دیگران به این گفتمان رونق بخشد استقبال می‌کند.



پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی